

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برتولت برشت
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۲۹ سپتمبر ۲۰۱۹

اهمیت موافق بودن - ۴

نمایشنامه آموزشی بادن- بادن- ۱۹۳۰

با اعلام نافرمانی مدنی از قوانین و موازین کپی رایت برای ترجمه آثار به زبان فارسی و انتشار آزاد و رایگان در اینترنت.



نمایشنامه آموزشی، صحنه دلقکها، بادن بادن ۱۹۲۹

فرد فیشباک

سیر تحول سیاسی برتولت برشت از ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۳

امریکا گرانی – پایان یک اسطوره^۱

اسطوره آنگلساکسون پس از جنگ اول جهانی پا به عرصه وجود گذاشت و گسترش یافت. در ادامه گفته های مارکس، بی گمان اشتباه نیست تا بگوئیم که نظریات حاکم همان نظریات کشور های حاکم است.

نویسنده هانس یواخیم^۲ می گوید، «ما الگوی امریکا را پی گیری می کردیم. امریکا فکر خوبی بود، کشور آینده بود... مدتهای مدید جلوه گاه های فن آوری های افتخار آمیز برای ما به شکل تانک، مین، گاز سمی برای تخریب زندگی انسانها ظاهر شده بود. در امریکا فن آوری ها به خدمت بشریت درآمده بود. بذل توجهی که برای آسانسور، ایستگاه های فرستنده، جاز نشان می دادند یک ارزش روز و در حال گسترش بود. [اسطوره آنگلساکسون] را همه بدان اعتراف داشتند و به نوعی خاص گواه بر تحول شمشیر به تیغ گاو آهن، مخالف اسب ولی خواهان اسب بخار، و بر آن بود که تمدن به موضوع شهروندان تبدیل شود. رفتار ما در رابطه با امریکا یک موضع گیری بود»^۳.

جای شگفتی نیست که نویسندگان و شاعران نسبت به این اسطوره حساسیت پیدا کرده بودند. جان ویلت^۴ قطعه ای شعر از مهرینگ^۵ به نقل می آورد که در سال ۱۹۲۱ نوشته شده است :

« I want to be home in Dixi

And cowboys rings

Bei echten drinks

My darling girl schenk ein und mix sie »^۶

«می خواهم در خانه در دیکسی^۷ باشم

با انگشتری های کابوی ها

با نوشیدنی های واقعی

محبوب من برایم نوشیدنی بیار و مخلوطشان کن.»

به همین گونه می توانیم از کوکتو، لورکا، مایاکوفسکی یاد کنیم. برخی شاعران حتا تا تغییر نام خود پیش رفتند : والتر مهرینگ Walter Mehring خود را والت مرین Walt Merin نامید، برتولت برشت Bertolt Brecht نامش را به برت برشت Bert Brecht تغییر داد.

درباره برشت می توانیم بگوئیم که او اسطوره را تا درون آثار و حتا زندگی اش منتقل کرد. انگیزه برای امریکا در سالهای ناامیدی و جست و جو به آثار او راه یافت. در سال ۱۹۲۰ می نویسد :

« ای کشور مرده های پوکیده

¹ Fred Fischbach. « L'américanisme – La fin d'un mythe ». In L'évolution politique de Bertolt Brecht de 1913 à 1933. Publication de l'Université de Lille III, 1976. pp. 79-82

² Hans A. Joachim

³ Schumacher Ernest : Die dramatischen Versuche Bertolt Brechts 118 – 1933, PP. 141-142

⁴ John Willett

⁵ ۲۴ جون ۱۹۱۷ - ۲۰ اوت ۲۰۰۲، نویسنده، جان ویلت در دوران جنگ دوم جهانی در سرویس اطلاعاتی در شمال آفریقا خدمت می کرد، دوستدار آثار برتولت برشت بود و پس از پایان جنگ دوم جهانی با او دوست شد و تعدادی از آثار او را به انگلیسی ترجمه کرد. طندگی گالیله، ننه لاور و فرزندانش، انسان خوب سچوان، صعود مقاومت ناپذیر آرتور اوئی.

⁶ Walter Mehring

متولد ۲۹ اپریل ۱۸۹۶ در برلین، مرگ در تاریخ ۶ اکتوبر ۱۹۸۱ در زوریخ، نویسنده آلمانی از مهمترین نویسندگان جمهوری وایمار. در دوران رایش سوم محکوم شد و به همین علت مجبور شد فرار کند.

⁷ Walter Mehring : « Das Katzenbrevier », Munich 1921, cité par John Willett : « Das theatre Bertolt Brecht. Eine Betrachtung » Rowohlt 1964, p.62.

چنان که می بینیم متن شعر مخلوط است از جملات انگلیسی و آلمانی

⁷ Dixi باید نام یک مکان باشد

شرم خاطرات را خفه می کند

و در جوانی

در امان از بزهکاری تو

امریکا بیدار می شود»^۸

بعداً در سال ۱۹۲۹ به یاد خواهد آورد :

« ما نیز سعی می کردیم حرکاتمان را کنترل کنیم

به آرامی دستهایمان را در جیبمان فرو می بردیم

و روی صندلی می نشستیم (گوئی برای ابد) و به کندی از روی آن بر می خاستیم.

...بدینگونه از چهره ای مشهور تقلید می کردیم که گوئی سرنوشتش حاکمیت بر جهان و ضامن پیشرفت آن بود.»^۹

این تمدن روی جاز^{۱۰}، ورزش و فن آوری بنیانگذاری شده است :

« با صدای زنانی که از گرامافون برمی خاست !...

...مختر عانشان : کاراترینها ! قطارها : سریعترین...

و همه چیزی گوئی باید هزار سال دوام بیاورد...»^{۱۱}

جریان یا جنبش عینیت نوین^{۱۲} فقط در این وادی می تواند تعریف شود. با وجود این همان گونه که دیدیم برتولت برشت

مدت زیادی در شوق زدگی آنانی که در فن آوریهای [نوین] ابزاری برای رهایی بشریت می دیدند ماندگار نشد.

عقلانیت گرائی موجب حذف تضادهای طبقاتی نشد بلکه موجب تشدید آن شد. سرانجام، « عینیت نوین » در خدمت

طبقه حاکم در می آید. برشت به زودی خواهد نوشت : « عینیت نوین ارتجاعی ست»^{۱۳}، و شعر او زیر عنوان «هفتصد

روشنفکر یک چاه نفت را ستایش می کنند»^{۱۴} حاکی از محکوم کردن قطعی این جریان [فکری] است.

در اثر برشت امریکانیسم ابتداء یک منحنی بالا رونده را می پیماید. اوج این رویکرد با طرح نمایشنامه «دان دریو»^{۱۵}

(۱۹۲۴)، سپس این موضع گیری بیش از پیش شکل اعتراضی به خود گرفت. « آدم آدم است » جامعه مدرن فنی را به

محاکمه می کشد. این محاکمه به عرصه انتقاد از جامعه امریکا و سرمایه داری تبدیل می شود، ابتداء با عبور از

نمایشنامه « پایان خوش »^{۱۶} و سپس مستقیماً با اپراها، «ژاندارک قدیس قصابخانه ها»، «شکوه افتخارات کلان شهر

نیویورک به خاموشی گرائید».

⁸ « Allemagne, o blonde, blème ... » Trad. « Ppèmes, L'Arche, paris 1965, t;2, p.64

⁹ Gloire éteinte de la gigantesque cité de New York », Trad. « Poème », L'Arche, Paris 1966, t.3, pp. 80-81

¹⁰ موسیقی جاز Jazz

¹¹ Ibid. pp. 79-82

¹² Nouvelle Objectivité (New Objectivity)

عینیت نوین جریان هنری ست که بین سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۳۳ در المان در واکنش به اکسپرسیونیسم گسترش یافت. این جریان کارکردهای عینی و عملی را در مواجهه با جهان به جای نگرش فیلسوف مآبانه و ایده آلیستی برجسته می کرد. عینیت نوین (نوول ابژکتیویته) در شهر بزرگ المان بسیاری از هنرمندان و روشنفکران را جذب کرد که غالباً دادنیست بودند و قویاً به مسؤولیت سیاسی و وظیفه آگاهانه و نقش اعتراضی خود پی برده بودند. (برگرفته از ویکیپدیای فارسی و فرانسه)

¹³ SzTh 1, p. 136 (1928)

¹⁴ « Simplizissimus » du 11.II. 1929 – Trad. « Poèmes », éd. L'Ache, Paris 1966, t. 8, pp. 86-87.

¹⁵ Dan Drew باید نام یک شخصیت نمایشی باشد

¹⁶ Happy End

اوجی به بلندی «دان دریو» از دیدگاه ما سزاوار است تا درباره آن تأمل کنیم. «دان دریو»^{۱۷} نمایشنامه ای است که نظام سرمایه داری را به تصویر می کشد، ولی نگارش آن به دوره ای از کارهای برتولت برشت تعلق دارد که او هنوز مارکسیسم را مطالعه نکرده است. نمایشنامه در حد طرح و سیاه مشق باقی می ماند - و به دلایل روشنی. با وجود این نمایشنامه به اندازه کافی ساخته و پرداخته شده که می توانیم بافت آن را حدس بزنیم.

دو سازنده راه آهن، دو سرمایه دار در مقابل یک دیگر قرار می گیرند. دان دریو شوالیه صنعتی، سرمایه دار «متقلب» است. فقط منافع شخصی خود را می ببند و نه منافع شرکت. به سیستم اعتماد ندارد، به آینده امریکا باور ندارد. «می بینیم که این شهر گسترش می یابد ولی بی خداست و فکر می کنم که به جهنم تبدیل خواهد شد»^{۱۸}. برادر زاده اش او را سرزنش می کند: «از خیلی وقت پیش به تو گفته بودم، چرا به آینده باور نداری، تو می توانستی تا مدتها در رأس شرکت باقی بمانی و پول خوبی به دست آوری...»^{۱۹}

واندربیلت^{۲۰} به عکس یک سرمایه دار «درستکار» است، که به سیستم باور دارد: «او به آینده امریکا باور دارد... او به بورس همیشه می گوید هیچ چیزی را نمی فروشد، در امریکا هر چیزی که دارید ارزشمند است...»^{۲۱}. هم اوست که حرف آخر را می زند. زیرا دان دریو با وجود همه توطئه چینی ها، اختلاس ها و مانورهای دیگر نمی تواند شرکت را به ورشکستگی بکشاند. خود اوست که ورشکسته می شود، و نه شرکت. سیستم قوی تر است.

در این دوران، آنچه را که برشت نشان می دهد، مبارزه ای در سطح افراد و در بطن نظم اجتماعی مشخصی است، مبارزه در سطح اخلاقی بین خوب و بد واقع شده (واندربیلت و دان دریو همچون سیاه و سفید در مقابل یک دیگر قرار می گیرند). ولی خود نظم اجتماعی مورد تحلیل قرار نگرفته و به هیچ وجه زیر سؤال نرفته است. نمایشنامه نیز به شکل متناقضی در مدح سیستم نوشته شده است.

این «امریکا گرایی» عمر با دوامی خواهد داشت. در شعری به استناد از «گزیده یک راهنما برای ساکنان شهرها» می گوید:

«...بهترین چیزی که امریکا دارد

آن چیزی است که ما درمی یابیم...»

و:

«...این مردم می دانند چه کار می کنند

به همین علت ما آنان را می فهمیم...»^{۲۲}

و در سال ۱۹۲۶، و ۱۹۲۷، پیوسته برشت از «خشم سازمان دهنده» حرف می زند، از «حرص تصاحب اموال عمومی» که خاص امریکائی های بزرگ در قرن نوزدهم است. او اضافه می کند که «این تمایلات به سطح انجمن ارتقاء یافته» که در غایت امر از تمایلات انقلابی ست»^{۲۳}.

¹⁷ Dossier 194 au Bertolt Brecht-Archive

¹⁸ Dossier 194/37 – Pour la première fois paraît dans l'œuvre de Brecht le thème de l'homme double : Dan Drew est le chevalier d'industrie, mais il est aussi, dans la vie privée, un protestant austère.

برای نخستین بار در اثر برتولت برشت ظهور مضمون انسان دوپل (دو شخصیتی) را مشاهده می کنیم: دان دریو شوالیه صنعتی، ولی او در زندگی شخصی خود یک پروتستان خشکه مذهبی ست.

¹⁹ Dossier 194/17

²⁰ Vanderbilt

²¹ Dossier 194/15

²² Trad. « Poèmes », éd. L'arche, Paris 1965, t. I, p.172

²³ SzPug I, pp. 83-84

سال ۱۹۲۹، سال بحران جهانی ست، و در عین حال سال متارکه با امریکائگرائی (امریکائیسیم) است. با بروز بحران اسطوره آنگلو ساکسون فرو ریخت. شعر «شکوه افتخارات کلان شهر نیویورک به خاموشی گرائید»^{۲۴} راهی را ترسیم می کند که برشت پیمود، از تحسین و شیفتگی تا افشاء و تحلیل مارکسیستی.

کشوری که آن را به عبث «کشور خدا»^{۲۵} می نامیدند

«با سرواژه های نامهایش : یو . اس . آ^{۲۶}

همچون دوست دوران کودکی، که همه او را می شناختند و یکتا بین همگان بود»^{۲۷}

«کشور خدا» ورشکسته شد :

«امروز خیر منتشر شده است

که این مردمان ورشکسته شده اند...»

و

«ما خیلی چیزها را با چشم دیگری می بینیم، و با نگاهی هوشمندانه تر...»^{۲۸}

برشت در یک حرکت دیالکتیکی تمام بخش نخست شعر (از بند ۱ تا ۱۲) را بازنویسی می کند تا نشان دهد که این «نظام زندگی جمعی» که بی بدیل و تخریب ناپذیر به نظر می رسید فروپاشیده و به خلف و عده هایش تبدیل شده است.

آسمانخراشها به انبارهای فقیرانه، قطارهایی که مانند «هتل های متحرک» بودند دیگر هیچ کس در آنها زندگی نمی کند، پل ها فقط تل ویرانه ها را به یکدیگر متصل می کند.

مردان «به آرایش کردن خود ادامه می دهند». دیروز یک لوکس انحرافی بود و حالا ضرورتی اجتناب ناپذیر «برای کسب یک کار». و برشت ماهیت ضد بشری این سیستم را افشاء می کند.

«... جانی را که با قطار گندم به بحر می ریزند

بحر آرام^{۲۹} می نامند»^{۳۰}

و این در حالی ست که میلیونها انسان گرسنه و در بی کاری به سر می برند^{۳۱}. بر این اساس، فروپاشی عظیمی که برشت پیشگویانه در سال ۱۹۲۱ احساس کرده بوده (در کتاب : «ب.ب بیچاره»)^{۳۲} حقیقتاً بر سر جهان فرود آمد.

در آن دوران، حقیقت این است که احساس برشت روی محور اتحاد با این جهانی بود که در حال زوال به سر می برد : «... می دانیم، ما عابر هستیم،

چه کسی به دنبال ما خواهد آمد؟ هیچ کسی که ارزش نامیدنش را داشته باشد.»^{۳۳}

اکنون، در سال ۱۹۲۹ او دیگر در اتحاد با چنین جهانی نیست. بررسی مارکسیسم او را به یک بازمانده [مصیبت فروپاشی] تبدیل کرد.. این سیستم زندگی جمعی دیگر مطلق نیست. آن را از بیرون محکوم می کند. در مقابل این

²⁴ Trad. « Poèmes », éd. L'Arche, Paris 1966, t. 3, pp. 78-86

²⁵ « God's own country !»

²⁶ U.S.A

²⁷ Trad. « Poèmes », éd. L'Arche, Paris 1966, t. 3, p. 78

²⁸ Ibid. p. 83

²⁹ اقیانوس آرام

³⁰ Ibid. p. 86

³¹ Dand le même ordre d'idées, il faut aussi citer ici le poème extrait des « Keunnersichten » : « Über die Auswahl der Bestien » (cf. « Geschichten vom Herrn Keuner », Aufbau-Verlag, Berlin 1958, pp. 23-25 ; Trad. « Poèmes », t.9, L'Arche, Paris 1968, pp. 36-37 : « Sur la sélection des bêtes féroces »).

³² Du pauvre B.B نام برتولت برشت

³³ Trad. « Poèmes », éd. L'Arche, Paris 1965, t. I, p. 144

جهانی که به ورشکستگی افتاده، جهان دیگری را قرار می دهد، جهان بافندگان کوجان بوکان^{۳۴} که در مقام دیالکتیسین
جهان نوینی را بر پایه خرد بنیانگذاری می کنند.
ادامه دارد

³⁴ Poème : Des tisserands de Kujan-Bukan